

روانشناسی تحولی

فصل ۶ رشد اجتماعی

من و دیگران

- کودک از دو سالگی فرایند اجتماعی شدن را آغاز می کند
- از شیر گرفته می شود و والدین کمتر به انتظارات کودک بلافاصله جواب می دهند
- بر فرایند اجتماعی شدن کودکان دیگری که در همسایگی، مهد کودک و مدرسه هستند نیز کمک می کنند
- خانواده اولین محل اجتماعی شدن کودک است

انتخاب روش های تربیتی: والدین، کودک و محیط

- قبلاً تصور بر این بود که فنون تربیت و رفتارهای والدین بر رشد کودک اثر می گذارد و نقش کودک در این میان نادیده گرفته می شد امروزه شایستگی والدین براساس سه عامل تعیین می شود که توسط **بلسکی** مطرح گردید:
- مسئولیت و سلامت روانی والدین
- ویژگی های کودک و منابع استرس
- حمایت کننده بیرونی و درونی

والدین : مسئلہ شخصیت

• ویژگی های شخصیتی والدین و اینکه از اختلال خاصی رنج می برند یا نه

کودک : مسئلہ خلق

- خلق کودک و سن و جنس او در نوع تعلیم و تربیتی که دریافت می کند می تواند تاثیرگذار باشد

محیط: منابع استرس و حمایت

- انسان در خلا زندگی نمی کند، در محل کار و زندگی اجتماعی خود از استرس ها و حمایت هایی برخوردار می شد که می تواند برای او منفی یا مثبت باشد

اعمال تربیتی

- تربیت فرزند به عنوان سخت ترین شغل
- مقاومت کودک در مقابل استرس زیاد است
- رویدادهای کوچک است که می تواند انتظارات کودک را در باره روابط حال و آینده رقم بزند

سبک های تربیتی

- دایانا بمریندبه سه مدل اشاره می کند:
- قدرت طلبی
- آزاد منشی
- سهل گیری

قدرت طلبی

- کنترل کننده اند
- انتظارات بالا
- ارزیابی کننده
- بر اساس ارزشها و معیارهای سنتی و مطلق
- تمرکز بر نیازهای خود بجای کودک
- بحث ممنوع
- نظم و انضباط توأم با تنبیه
- ارتباط یک طرفه

سهل گیری

- یک محیط غیر اجباری، باگذشت و صحیح بوجود می آورند که کودک رفتار خود را کنترل کند
- توجه زیاد به نیازهای کودک بدون تحت فشار قرار گرفتن
- مورد مشورت قرار گرفتن کودک در تصمیم گیری ها
- کم توقع بودن والدین در مورد فعالیتهای خانگی

آزاد منشی

- هدایت فعالیتهای کودک
- آزادی هایی قائل می شوند
- به نیازهای کودک توجه می شود
- کنترل آنها انعطاف ناپذیر، اجباری، مزاحم و بیهوده و محدود کننده نیست
- علت تحمیل قوانین گفته می شود
- با فرزند خود بحث می کنند

سبک بی مسئولیتی

مکوبی و مارتین این سبک را معرفی کرده اند

- هیچ در خواستی از فرزند ندارند
- کمتر به کودک می رسند
- والدین کمتر در اختیار فرزندان هستند
- که می تواند به بی بند وباری و خشونت کودکان منجر شود

روشهای تربیتی: مسئله تنوع

- این سبک ها که بدانها اشاره شد لزوما خط کشی شده و خطی نیستند بلکه والدین ترکیبی از رفتار ها و سبک های متنوع را نشان می دهند که بر عوامل زیر استوار است:
 - موقعیت
 - جنس و سن کودک
 - استنباطهای والدین از خلق، انگیزه ها و هدفهای کودک
 - درک کودک از موقعیت
 - منابع حمایت اجتماعی قابل دسترس برای والدین
 - فشارهای وارده بر والدین از طرف دیگران
- یعنی تعامل این عناصر با همدیگر می تواند شکل خاصی از تربیت را رقم بزند

برادران و خواهران

- رتبه تولد
- جنس
- سن
- تک فرزند
- و نظریاتی که در این رابطه هست از جمله **آدلر** که عزل فرزند بزرگتر را رویداد اصلی در رشد او به حساب می آورد. در کل عوامل ارثی و محیطی منحصر بفردی در گیر می شوند

تلاشی خانواده: آثار آن بر کودکان

- سن کودک
- مسئولیت در اکثر مواقع بر عهده زنان است (۸۰ درصد)
- سال اول زندگی بعد از طلاق دشوار است
- به نظر می رسد در طول دو سال پس از جدایی موقعیت بهبود می یابد
- ممکن است احساس گناه کودک را در طلاق والدین شاهد باشیم
- کیفیت رابطه والدین بعد از طلاق با فرزندان مهم است
- در کل طلاق برای کودکان الزاما مصیبت بار نیست و تفاوتها با کودکان نرمال کم است

روابط بیرون از خانواده: اهمیت همتایان

مراحل دوستی سلیمان

- مرحله صفر (رفاقت خودبخودی)
- مرحله ۱ (کمک در یک جهت)
- مرحله ۲ (همکاری موزون)
- مرحله ۳ (روابط صمیمی متقابل)
- مرحله ۴ (وابستگی متقابل و خودمختاری)

عوامل مرتبط در تغییر در جنبه های کنش متقابل کودک

- مهارتهای ارتباطی او بهبود می یابد، کنشهای متقابل موثر را آسان می کند
- ادراک او از نقشها بر اثر رشد توانایی های شناختی پالایش می شود
- موقعیتهای تعامل او با همتایان بر اثر ورود به مهد کودک و دبستان بیشتر می شود
- مهارتهای حرکتی او رشد می کند و به او اجازه می دهد در فعالیتهای مشترک متعدد بهتر شرکت کند

نظریه پارتن در مورد بازیها (مطالعه در مهد کودک)

- بازی انفعالی
- بازی انفرادی
- مشاهده
- بازی موازی
- بازی شراکتی
- بازی تعاونی
- در کل بازی موجب رشد اجتماعی و باعث تحریک شناختی است، تمرین نقشها و ساخت هویت، و عاملی برای واقعیت و خیال و فائق آمدن بر ترسها

گروه همتایان : تمرین مهارت‌های اجتماعی

- رفتن به مهد کودک و مدرسه اولین گام‌های اجتماعی شدن رقم می‌خورد
- کودکان، در میان خود نقش تقویت کنندگان و الگوهای رفتاری را ایفا می‌کنند
- حضور در گروه‌هایی نظیر تیم فوتبال و... تجارب جدیدی برای او به همراه می‌آورد و همزمان می‌تواند در چند گروه حضور داشته‌اشد و این مهم می‌تواند نقش بارزی را در رشد اجتماعی او داشته‌باشد
- در تعیین معیارهای رفتاری گروه همتایان می‌تواند نقش گروه فشار را بازی کند
- فرهنگ گروه همتایان روابطی را دربر می‌گیرد که از طریق اجتماعی شدن، تایید خویشستن، رقابت، همکاری و تفاهم متقابل بین اعضا تعیین می‌شود
- این گروه کودک را از درجه دو بودن که در میان بزرگسالان داشت خارج می‌کند

کودکان محبوب و نامحبوب

- ویژگی رفتاری متعددی وجود دارد که محبوبیت و عکس آن را در گروه همتایان بوجود می آورد:
- محبوب ها از جانب همتایان فعال، اجتماعی، شاد، قابل اعتماد، خوش برخورد، راحت، بانرژی و توصیف می شوند پژوهشها نشان می دهند بین زیبایی جسمی و محبوبیت رابطه قابل قبولی وجود دارد و
- نامحبوب ها شامل منزوی ها، کمروها پر خاشگرها، خودخواه ها و.....

پرخاش بین همتایان

- روابط بین همتایان همیشه بدون درد سر نیست. گاهی غریزه خشونت با هدف تایید خویشتن تجلی می کند و معمولاً به صورت پرخاش نشان داده می شود
- پرخاش یعنی تمایل به نشان دادن رفتارهایی که از نظراجتماعی خصمانه یا ویرانگر محسوب می شود
- پرخاشگری به مرور در طول سه سال اول زندگی کمتر و در ۴ سالگی خیلی کم می شود اما فراوانی حرکات انتقامجویانه پس از سه سالگی بیشتر می شود
- پرخاش کلامی بین ۲ تا ۴ سالگی بیشتر می شود
- در کل پاسخی که کودک پرخاشگر از پرخاشگری دریافت می کند رفتار بعدی او را تحت تاثیر قرار می دهد

ادامه

- گفته می شود تجربه پر خاشگری یا مشاهده آن در بزرگسالان یکی از دلایل می تواند باشد
- همچنین دستیابی به هدف به صورت ملموس از دیگر عوامل است
- هر چند شکل پر خاشگری در پسر ها و دختر ها متفاوت است
- تلویزیون نیز در این رابطه بی تاثیر نیست